

دولت و جامعه در ایران

انقراض قاجار و استقرار پهلوی

دکتر محمدعلی همایون کاتوزیان

ترجمه‌ی حسن افشار



فهرست

یادداشت مؤلف بر ترجمه فارسی	نه
سپاسگزاری	ده
پیشگفتار	دوازده

۱. حکومت استبدادی: نظریه تطبیقی دولت، سیاست و جامعه در ایران

چکیده	۱	پیوست	۲۶
موضوع بحث	۲	تحلیل مارتین هرتس از اوضاع سیاسی ایران	
یک یادداشت روش شناختی	۳	در سال ۱۹۶۴	۲۶
تزه‌های اولیه	۵	پی‌نوشت‌های فصل ۱	۲۸
یادداشت کوتاهی درباره ایران قرن بیستم	۲۳		

۲. آزادی و لجام‌گسیختگی در انقلاب مشروطه

مقدمات طغیان	۳۳	مشروع در برابر مشروطه	۵۰
افزایش هرج و مرج	۳۷	آزادی و لجام‌گسیختگی	۵۴
گزارش کوتاهی از مبارزه برای مشروطه	۴۱	پی‌نوشت‌های فصل ۲	۵۹
تحلیلی از انقلاب	۴۴		

۳. مشروطیت و هرج و مرج

تجزیه و تحلیل هرج و مرج	۶۵	جنگ و تجزیه	۷۹
شواهد از منابع وقت	۶۸	ظهور ناسیونالیسم	۸۶
قضیه شوستر	۷۲	دستاورد‌های مثبت	۹۲
ارزیابی واقعه شوستر	۷۵	پی‌نوشت‌های فصل ۳	۹۴

۴. مبارزه برای قرارداد ۱۹۱۹

کابینه وثوق الدوله	۱۰۱	شاه در اروپا	۱۲۲
قرارداد ۱۹۱۹	۱۰۳	پی‌نوشت‌های فصل ۴	۱۲۷
مبارزه در ایران	۱۱۹		

۵. مبارزه با قرارداد ۱۹۱۹

مبارزه داخلی	۱۳۲	مبارزه فرانسه	۱۴۱
مبارزه خارجی	۱۳۷	مبارزه آمریکا	۱۴۴

۱۶۵	پیاده شدن بلشویکها در انزلی	۱۴۸	مبارزات روسها
۱۷۰	پی‌نوشت‌های فصل ۵	۱۶۰	قیام خیابانی

۶. سقوط و ثوق الدوله

۱۹۱	سقوط خیابانی	۱۷۶	خطر تجزیه
۱۹۷	پی‌نوشت‌های فصل ۶	۱۷۶	هرمن نورمن و سقوط و ثوق الدوله
		۱۸۵	دولت مشیرالدوله

۷. سقوط مشیرالدوله

۲۱۳	استعفای مشیرالدوله	۲۰۱	نبرد در گیلان
۲۱۵	سپهدار و سیدضیا	۲۰۵	مسائل مالیه و انتخابات
۲۲۴	پی‌نوشت‌های فصل ۷	۲۰۸	ژنرال آبرونسایدوکودتا علیه استاروسلسکی

۸. زمینه کودتا

۲۴۴	پیشدرآمد کودتا	۲۲۹	سردرگمی
۲۵۳	پی‌نوشت‌های فصل ۸	۲۳۶	هول تخلیه تهران
		۲۳۹	نقش فیروز - افسانه و واقعیت

۹. کودتا

۲۷۶	قرارداد و کودتا، به اجمال	۲۵۷	۳م اسفند ۱۲۹۹/۲۱ فوریه ۱۹۲۱
۲۸۱	پی‌نوشت‌های فصل ۹	۲۶۴	واکنش دولت انگلیس در برابر کودتا
		۲۷۲	واکنش‌های ایرانیان در برابر کودتا

۱۰. رضاخان و پایان هرج و مرج

۳۰۸	شیخ خزعل و آخرین سنگر مقاومت	۲۸۵	رضاخان
۳۱۱	انقراض قاجاریه	۲۹۰	پایان هرج و مرج
۳۱۷	پی‌نوشت‌های فصل ۱۰	۲۹۷	ارتش جدید و مبارزه برای جمهوری
		۳۰۵	مبارزه برای ریاست جمهوری رضاخان

۱۱. رضاشاه و استبداد مدرن

۳۴۸	شبه مدرنیسم	۳۲۳	رضاشاه در ۱۳۰۵/۱۹۲۶
۳۵۶	رضاشاه در یک نگاه	۳۲۷	شکست مصالحه سیاسی
۳۵۹	پی‌نوشت‌های فصل ۱۱	۳۳۲	برآوردی عمومی از حکومت رضاشاه
۳۶۴	کتابشناسی	۳۳۳	حکومت استبدادی
		۳۴۳	ناسیونالیسم رسمی
۳۶۵			فهرست اعلام

حکومت استبدادی:

نظریه تطبیقی دولت، سیاست و جامعه در ایران*

چکیده

مطالعات جدید درباره تاریخ و جامعه ایران اغلب براساس نظریه‌هایی صورت گرفته است که برای مطالعه جوامع اروپایی پدید آمده‌اند. و این منجر به تناقضهایی شده که تنها با شناسایی تفاوت‌های عمده در شکل‌گیری این دو نوع جامعه (در چارچوب یک جامعه‌شناسی واحد) قابل رفع است. اراضی کشاورزی به دولت تعلق داشت که بخشهایی از آن را به افراد یا گروهها واگذار می‌کرد یا اجاره می‌داد، اما به عنوان امتیاز نه به عنوان حق مالکیت. طبقات اجتماعی وجود داشت، ولی مستقل از دولت حقوقی نداشتند. بنابراین طبقه آریستوکراتی در کار نبود و ترکیب طبقات در طول زمان به سرعت تغییر می‌کرد. از این رو قانونی خارج از اراده دولت - که فوق جامعه بود - وجود نداشت، به رغم مجموعه احکامی که ممکن بود به سرعت و به گونه‌ای دور از انتظار تغییر کنند. دولت مشروعیتش را از قانون و رضایت طبقات بانفوذ نمی‌گرفت و صرف توفیق یک شورش برای مشروعیت شورشیان کفایت می‌کرد. بحرانهای پیاپی جانشینی - پس از مرگ پادشاهان - در تاریخ ایران به همین دلیل بوده است. تا عصر جدید، شورشها و انقلابها علیه سلاطین مستبد «ظالم» بوده‌اند برای اینکه سلطانی «عادل» را به جای او بنشانند. اما نتیجه هرج و مرج عمومی بود تا وقتی که حکومت استبدادی تازه‌ای مستقر می‌شد. دو انقلاب قرن بیستم در ایران، با همه تفاوت‌هایشان، اساساً شورشهای اجتماعی گسترده‌ای بودند علیه دولت حاکم برای استقرار حکومت قانون. ولی به رغم موفقیت‌های موقت، تجارب سنتی جامعه نیرومندتر از آرا و برنامه‌های سیاسی نوپا از کار درآمد.

* این فصل روایت بازنگری شده و گسترش یافته مقاله نویسنده است با همین عنوان در:

موضوع بحث

در فصل حاضر نظریه‌ای برای تحقیق و مطالعه دربارهٔ جامعه ایران ارائه می‌کنیم تا توضیح‌های واقع‌بینانه‌تری برای گذشته و حال آن به دست دهد و طرق مناسب‌تری برای نگرستن به آینده آن پیش نهد. بنابراین، چارچوب نظری و مفهومیها و مقوله‌هایی را هم که رابطهٔ دولت و جامعه در فصلهای آینده براساس آنها مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار خواهد گرفت در این فصل مطرح خواهیم کرد.

مطالعات جدید دربارهٔ دولت، سیاست و جامعهٔ ایران غالباً - چه به طور پوشیده چه آشکار - بر پایهٔ نظریه‌هایی انجام گرفته است که برای مطالعهٔ جوامع اروپایی پدید آمده‌اند. و این سبب تناقضهایی شده است از این دست که، چرا رفاه فزاینده و رشد اقتصادی ظاهراً سریع در دهه‌های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ منجر به طغیان عمومی جامعه برای ساقط کردن حکومت گردید.

دلیل سادهٔ چنین تناقضهایی آن است که ویژگیهای بنیادین جامعهٔ ایرانی و تاریخ منبعث از آنها تفاوت‌های اساسی بسیاری با نظایرشان در جوامع اروپایی دارند. این تفاوت‌های اساسی را می‌توان در مفهوم و تبعات اجتماعی مالکیت اراضی، قشربندی جامعه و تحرک اجتماعی، ماهیت اقتدار دولت، مسائل قانون و مشروعیت و جانمایی و شورش و غیره مشاهده کرد. برای مثال، توضیح و پیش‌بینی رفتار طبقات اجتماعی با آگاهی از جایگاهها و کارکردهای آنها در جامعه ممکن می‌شود؛ اما اگر اینها تفاوت اساسی با الگوهای به دست آمده از مطالعهٔ جوامع دیگری داشته باشند، استفاده از آنها نتایج غلط به بار خواهد آورد. و چه بسا پیامدهای مصیبت‌باری نیز برای برنامه‌هایی که به منظور هدایت جامعه به سوی اهداف پیش‌بینی شده‌ای تدوین شده‌اند، در بر خواهد داشت.

در بخش «احکام اولیه» نظریه‌ای تطبیقی دربارهٔ دولت، جامعه و سیاست در ایران عرضه می‌شود که محصول بکارگیری الگوها و شیوه‌های عمومی علوم اجتماعی در سنجش واقعیت‌های تاریخی و تجربی جامعهٔ ایران است. نظریه‌ای «تطبیقی» است از این نظر که تجارب ایران را با تجارب اروپا مقایسه و مقابله می‌کند و تفاوت‌های مهم ولی غالباً پوشیده و پنهان آنها را نشان می‌دهد. بنابراین، صرفاً تمهیدی انتزاعی و قالبی نیست بلکه آکنده از شواهدی از هر دو جانب برای نشان دادن نیاز به تفسیر تازه‌ای از تاریخ و جامعهٔ ایران است.

این فصل با یادداشت کوتاهی به استقبال از پرسشهای روش‌شناختی‌ای که از همان ابتدا ممکن است پیش بیاید آغاز می‌گردد. در این یادداشت با ذکر دلایل روش‌شناختی معقولی توضیح می‌دهیم که چرا و چگونه در این مورد به نظریهٔ تازه‌ای نیاز است، نظریه‌ای که در پیکرهٔ علوم اجتماعی موجود بگنجد و بتواند ویژگی هر دو نوع جامعه را تبیین و تحلیل کند.

در پایان فصل حاضر، به اجمال، این نظریه را در مورد جریانهای اجتماعی و سیاسی عمده

ایران در قرن بیستم به کار می‌بندیم و کارایی آن را در تبیین وقایع و افکار و اشخاصی (که در نتیجهٔ استفاده از نظریه‌ها و تلقیاتی سنتی از مسأله غالباً مورد سوء تعبیر قرار گرفته‌اند) نشان می‌دهیم.

یک یادداشت روش‌شناختی

نفس ادعای نیاز به نظریهٔ خاصی در مورد جامعه و دگرگونیهای اجتماعی در ایران ممکن است پرسشهایی را در سطوح مفهومی و روش‌شناختی برانگیزد. در این یادداشت کوتاه نشان می‌دهیم که این ادعا، و این اقتضا، با اصول روش‌شناختی مقبول، هم در علوم اجتماعی و هم در علوم طبیعی، کاملاً مطابقت و حتی ضرورت دارد.

در تاریخ اندیشهٔ سیاسی و تحلیل اجتماعی در اروپا نظریه‌های بسیاری دربارهٔ دولت، سیاست و جامعه ارائه شده است. انواع نظریه‌های قرارداد اجتماعی، سایر نظریه‌های لیبرالیستی، نظریه‌های هگل و مارکس و نظریه‌های توتالیتاریستی قرن بیستم از موفقترین و پرنفوذترین نظریه‌های جدید اروپایی در این زمینه بوده‌اند. اما نباید از نظر دور داشت که اگرچه بسیاری از این نظریه‌ها در پیشفرضها و دلالتها و پیش‌بینیهایشان اختلافهای فراوان و گاهی آشتی‌ناپذیری با یکدیگر دارند، همگی منعکس‌کنندهٔ تاریخ و تجارب اروپایی‌اند؛ یعنی نظامهای حکومتی اروپایی، ساختارها و مناسبات اجتماعی، نهادهای عمومی و خصوصی و مانند آنها، و تغییراتشان در طول زمان، که حاصل تحولات اجتماعی و اقتصادی، تکنولوژیکی و ایدئولوژیکی بوده است. نظریه‌پردازان اروپایی مثل افلاطون، ارسطو، آکویناس، ماکیاولی، لاک، روسو، ویکو، هردر، هگل، مارکس، جان استوارت میل، اسپنسر، لنین، هایک، روزنبرگ و دیگران همگی پیشینهٔ فرهنگ سیاسی و تمدن اروپا را مد نظر داشتند و بنابراین اگرچه ممکن بود با تلقیاتی یکدیگر به این عنوان که ماتریالیستی، ایدئالیستی، اتمیستی، نهادگرایانه، جامعه‌شناختی - یا صریحاً لیبرالیستی، نژادپرستانه و توتالیتاریستی - است مخالفت کنند، هیچ یک ادعا نمی‌کردند که چارچوب اجتماعی که نظریه‌پردازان دیگر بدان ارجاع می‌دهند با تجربهٔ جوامع اروپایی از روزگار باستان تا عصر جدید بیگانه است.

مثلاً ممکن بود که مارکس دولت را نمایندهٔ منافع طبقات مالک زمین و سرمایه معرفی کند، و در نتیجه معتقد باشد که پس از آنکه نظام سوسیالیستی مالکیت خصوصی را ملغی کرد، دولت خودبخود «محو» می‌گردد. از سوی دیگر ممکن بود که هایک این روند را «راه بازگشت به بندگی» بدانند. با وجود این، چنان که حتی از بسیاری از اصطلاحات مورد استفادهٔ آنها برمی‌آید، پیشفرضهای هر دو آنها ریشه در متن عمومی جوامع اروپایی و تحولاتشان دارند. به عبارت دیگر، اختلاف و مناقشه کمتر بر سر واقعیتها و بیشتر در مورد نظریاتی است که در تشریح گذشته و پیش‌بینی آینده به واقعیتها ارزش تحلیلی می‌بخشند.